

علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو

مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین‌المللی انجمن علوم سیاسی ایران

آذر ۱۳۹۸ / انجمن علوم سیاسی ایران

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

همایش بین المللی علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو

سرشناسه:

(سیزدهمین: آذر ۱۳۹۸: تهران)

عنوان و نام پدیدآور:

علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو،

به اهتمام انجمن علوم سیاسی ایران

دبیر علمی:

قدیر نصری (۱۳۵۰) / دانشیار دانشگاه خوارزمی

مشخصات نشر:

تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۸

موضوع:

علوم سیاسی، وضعیت سیاسی ایران و تحولات محتمل - ایران -

کنگره ها

موضوع:

علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو

شناسه افزوده:

انجمن علوم سیاسی ایران

گردآوری و تدوین:

قدیر نصری

ویراستار:

پروین شیردل

صفحه آرا:

علی رودگر صفاری

شمارگان:

۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ:

اول

نشانی دبیرخانه همایش:

تهران، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان شهید لبافی نژاد،

نش کوچه انوری، شماره یک، تلفن دبیرخانه ۶۶۴۹۳۴۱۲

فهرست مطالب

۱۱	گفتار دبیر علمی همایش.....
	علم سیاست و کارآمدی قانون اساسی در ایران
۱۳	سیدعلیرضا مسینی‌بهشتی.....
	پدیدار شناسی مدنی: مقدمه ای بر اخلاق و سیاست فراسوی دوگانگی فضیلت و آزادی
۲۱	عباس منوچهری.....
	ایران در حال گذار و رویارویی با دشواره اقوام
۳۹	هوشنگ شیفی.....
	راه گذار به توسعه سیاسی ایران؛ تفاهم جریانهای سیاسی با اتکاء به عقلانیت ارتباطی
۴۷	طاہر اصغریور.....
	علم سیاست، ایران امروز و گذارهای اساسی پیش رو
۵۷	قدیر نصری.....
	تحول پارادایمی و نسل جدید سیاست‌ورزی
۶۵	سلیمان صادقی‌زاده.....
	ضعف راهبردی علم سیاست در ایران؛ تاملی در باب مناسبات دانش سیاسی با حکومت
۷۵	اصغر افتخاری.....
	چرا نظریه‌ی سیاسی بر جهان واقعی سیاست تأثیر چندانی نمی‌گذارد؟
۸۱	بهاد میدری.....
	جدال رشته‌ها و اشغال مزیت‌های علوم‌سیاسی
۸۵	روح‌اله اسلامی فاطمه مصیبی.....
	چالش‌های نظریه‌پردازی در علوم سیاسی ایران از نگاه نخبگان سیاسی؛ ارائه یک مدل زمینه‌ای
۹۵	محمّد بابایی ممد پای بست.....
	تأملی بر اظهار «احیای علوم سیاسی»: امکان یا امتناع بنیان‌گذاری؟
۱۰۷	محمّد عبدالله‌پور چناری.....
	رُخداد، بحران آگاهی و امکان پیش‌بینی‌پذیری سیاسی: درک روانشناختی امر پیشداستانه - پیشگیرانه
۱۲۷	علی اشرف نظری.....
	اندیشیدن عاریتی: ترجمه و معضل تفکر در ایران معاصر
۱۳۹	دکتر عارف عبادی.....
	بازگشت به سیاست: مقدمه‌ای درباره علم سیاست در ایران امروز
۱۴۵	ممید ملک زاده.....

۱۵۳	کنش‌پذیری و کنش‌گذاری کهن‌الگوها در علم سیاست معاصر ایران سیدهاشم منیری
۱۶۱	گذار به دولت-ملت: طرح مساله امجد بستانی
۱۶۹	علم سیاست و گذار از ذهنیت‌های رادیکال به ذهنیت‌های عمل‌گرای مصالحه‌محور مسعود افوان‌کاظمی، یزدان فالادی‌پور
۱۷۷	دلالت‌های هویتی تصویر و برند ایران در نگاه و ضمیر دیگران آرش بیداله فانی
۱۸۵	ناکارآمدی به مثابه اصلی‌ترین منبع بروز بی‌ثباتی در ایران فردا مجید استوار، مجتبی استوار
۱۹۵	تحلیل انتقادی استعاره‌های متعارف در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی؛ بررسی دشواره‌ای در ایران اکنون سیدمسین اطهری، سیدایمان رضوی
۲۰۵	درهم‌تنیدگی انگاره‌های آسمانی و زمینی و سرگردانی خرد بین حق و تکلیف: تاملی در معضل ایرانیان امروز سیدمسین اطهری، سیدهاشم منیری
۲۱۳	حفظ تمامیت ارضی کشور؛ به مثابه رسالت دانشگاهی شقایق میدری، مسین سیف‌الدینی
۲۲۱	ناکامی سیاست‌گذاری عمومی در ایران محمّد فضری
۲۲۹	بحران دولت‌سازی در ایران پس از انقلاب علی‌رضا میدری
۲۳۹	سپنتامینو! انگره‌مینو! بس کنید! تاج‌برداری به جای تاج‌داری ممسن فلیلی
۲۵۱	آشتی با نمادهای حقوق بشر دستاوردی برای منافع ملی ایران مهدی ذاکریان
۲۵۷	محیط زیست به مثابه دشواره‌ای تمام‌عیار: تحلیل سیاست سبز در قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران فاطمه ذوالفقاریان
۲۶۵	وضعیت ایران امروز: معکوسی از تصویر دوم مهدی زیبائی
۲۷۳	روح و توسعه شهریار شفق

درهمنیدگی انگاره‌های آسمانی و زمینی و سرگردانی خرد بین حق و تکلیف: ناملی در معضل ایرانیان امروز

سیدحسین اطهری^۱

سیدهاشم منبری^۲

چکیده

با ورود به فرهنگ مدرن و تجلیات آن در عرصه‌های مختلف فکری، سیاسی و اقتصادی؛ گسستی اجتناب‌ناپذیر بین سنت و مدرنیته پدیدار شد که مفاهیم نوینی را برای انسان خردمند، منتقد و فردگرا بوجود آورد که «حق‌باوری» مؤلفه کانونی آن به شمار می‌آید. حق؛ در طلب چیزی یا به‌سوی چیزی است که با مفاهیم عدالت، و برابری هم پهلو است و توانایی‌اش در کسب و تغییر آن در راستای شیوه‌ی یک زندگی خوب (به‌زیستن)، دانسته می‌شود. این زندگی با نوساناتی که متأثر از روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی است، افراد را در وضعیت فرادستی و فرودستی پیش می‌برد که پیامد آن چیزی جز تبعیض و نابرابری نمی‌تواند باشد. این مقاله درصدد است چرایی تبعیض و نابرابری را از وجه فلسفی با روش «تفسیری» مورد فهم قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد نخبه‌گرایی و ارشادی با پیش‌زمینه‌های انگاره‌های آسمانی که با ساختار سیاسی متصلب درهم‌تنیده شده است، فضایی برای تعیین‌کنندگی و کنش‌های انتخابی افراد بوجود نمی‌آورد. برای درمان و بهبود چنین وضعیتی، «گفتگو محوری» و بسط مشروعیت «حق محوری افراد» از طرف حاکمیت می‌تواند مرهمی برای این آوارگی خرد بین حق و تکلیف باشد.

کلیدواژه: مدرنیته، حق‌باوری، تبعیض، گفتگو محوری، تکلیف.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی؛ دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش اندیشه‌های سیاسی)؛ دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه و بیان مسئله

قرن هفدهم و هجدهم سرآغاز گسست از مفاهیم سنتی و مرجعیت‌های^۱ قدرتی است که خواهان به‌کارگیری «خرد»، «سوژه‌محوری» و «اراده‌های معطوف به حق» است تا در راستای این‌گونه از مفاهیم، برابر نهادی از آشکارگی افراد در برابر یکسانی، همگونگی و یکتایی را بوجود آورد. مدرنیسم و بحران‌های برآمده از آن، «هر آنچه سخت و استوار است را دود می‌کند و به هوا می‌فرستد» (برمن، ۱۳۹۲) و تجربه مدرنیته را به جهان‌های متفاوت گسترش می‌دهد. اگر به زبان «ماکس وبر» سخن بگوییم مدرنیته به افسون‌زدایی خواهد انجامید و گریز از آن اجتناب‌ناپذیر است. بدین خاطر است که مدرنیسم در درون خود علاوه بر کارکردهای توسعه‌بخش، متحول‌ساز و دگرگون‌کننده، تعارضات و تضادهایی با «جهان پیشین»، ذهنیات و آنچه ما «پیش‌مدرن» می‌نامیم پیدا می‌کند. برای اینکه بدانیم مدرن چیست، ابتدا باید زمینه‌های «جهان سنتی» و ذهنیت‌هایی که در راستای مرجعیت‌های آسمانی قرار دارند مورد شناسایی و تحلیل قرار بگیرند.

این پژوهش قصد دارد تعارض دو جهان سنتی و مدرن را در دو ساحت اندیشه‌ای و رفتاری با نظر داشت آوارگی خرد ایران معاصر؛ در دو مفهوم حق و تکلیف، مورد تحلیل قرار دهد.

۲. جهان سنتی: جهان تکلیف^۲

آگاهی زمانی متجلی است که بین «خود^۳» و «دیگری^۴»؛ و بین «فرد» و جهان پیرامون به تفسیر امور و چون‌وچرا بپردازد و با پرسش‌گری خود، «سوژه‌گی» خود را و رای، مرجعیت‌های دیگر، به اثبات برساند. درواقع، آگاهی ارتباط نزدیکی بین به رسمیت شناختن سوژه و لوازم منتسب به آن است. لیکن در جهان سنتی، ما نه از «فرد» می‌توانیم سخن بگوییم و نه از سوژه‌هایی که با عقل خود بنیاد بتوانند، به اثبات «وجود» خود در برابر مرجعیت‌های گوناگون بپردازند. هیچ سوژه‌ای وجود ندارد و تقابلی نیز بین سوژه و ابژه نیست؛ همه چیز درهم‌تنیده شده است در کلیتی به نام تابعان که باید بدون تأمل و تعمق فرمان‌بردار امرای امر باشند.

۲,۱ از نظر سیاسی، هنوز تفکیکی بین جامعه و دولت سیاسی صورت نپذیرفته است تا نقش و جایگاه شهروندان، مشخص و معین شود (باربیه، ۱۳۹۲). آنچه هست، «یگانه‌انگاری» (مونیسیم) در برابر کثرت‌گرایی سیاسی (پلورالیسم) است. یگانه‌انگاری یعنی تمام پدیده‌ها نمودهایی از یک جوهر واحدند.

1. Authority
2. Duty
3. Self
4. Other

در «یکتایی»، وحدت، هماهنگی، یگانگی و توحید از بالا به پایین است و در سلسله‌مراتب اجتماعی و سیاسی، جایگاه افراد از پیش تعریف و مشخص شده است و بدین خاطر تحرک اجتماعی و تحول سیاسی قابل‌اجرا نیست. ایستایی و سکون حکم‌فرما است. در واقع، جامعه «کل‌باور» خود را در پهنه‌ی دینی بازتولید می‌کند و افراد متعلق به جماعتی هستند که هر جزئی از آن در خدمت «کل» قرار دارد. این جریان یک‌طرفه، شرایط را برای «انتخاب» و جایگزین‌های بعدی پیش نمی‌آورد. از دیگر سو، سازمان اجتماعی در جامعه، فرادستی دولت را «باور» دارد و این منطق به اینجا منتهی می‌شود که «آدمی از نظر زندگی و در نتیجه از نظر دارایی‌ها و اموالش نیز به دولت تعلق دارد تا به خویشستن. دولت می‌تواند دارایی‌های هر شخصی را در اختیار بگیرد زیرا در واقع این دارایی‌ها بیشتر از آن دولت‌اند تا از آن او» (بوربیه، ۱۳۹۲: ۶۹).

۲،۲ از نظر اجتماعی؛ همچنان که گفته شد، جهان سنتی یک کل هم‌بسته‌ای است که «کل» مهم‌تر از اجزاء است و مصلحت عمومی بر منافع خصوصی رجحان دارد. در اینجا آشکارگی دو مفهوم «آزادی» و «انتخاب» پدیدار می‌شود. «در صورتی می‌توان شخص را آزاد نامید که نه تنها از اقدام وی برای انتخاب یک عمل جلوگیری نشود، بلکه دیگران هم به جای او انتخاب و تصمیم‌گیری نکنند» (راسخ، ۱۳۹۳: ۵۵۰). بنابراین، حکومت در جهان سنتی حاوی رسالتی است که هم‌زمان خیر عمومی و به سعادت رساندن جامعه را به عهده دارد. در چنین دولتی اتباع در سایه نظم عمومی و امنیت؛ که عطیه‌ای است الهی، ناگزیر از نافرمانی مدنی، حق اعتراض و مشارکت در امر سیاسی‌اند.

حیات ذهنی دولت و جامعه، اجرای توأمان فرامین دولتی و الهی است که بر دوش تک‌تک جامعه «تکلیف» شده و باید به اجرا گذاشته شود. این‌گونه تکلیف‌گرایی در ادبیات منثور و منظوم ما به عین دیده می‌شود. گلستان سعدی، کلیله و دمنه، سیاست‌نامه خواجه نظام الملک، نصیحه‌الملوک غزالی، و غیره نمونه‌های بارز آن است. کنش‌پذیری از «سنت» میراث باستانی و تداوم آن در پس ذهن تاریخی ما ایرانیان انباشته شده است و گسست از آن سخت و طاقت‌فرسا است.

۲،۳ از نظر دینی؛ منابع سنتی قدرت سیاسی در راستای ساخت قدرت قرار گرفته است و تخطی از آن نه تنها با اعلام جرم از سوی دولت همراه است؛ بلکه «گناه» نیز محسوب می‌شود. بدین دلیل، هر آنچه از سوی مرجعیت الهی و بالطبع، جانشین او صادر شود، مقدس تلقی شده و نمی‌توان از آن عدول کرد. در چنین دیدگاهی پیوند دین و سیاست آشکار است و حرکت دائمی دین و قدرت در قالب بده و بستان انجام می‌گیرد. گاه دین در قالب ایدئولوژی، بخش مهمی از قدرت پنهان و پیدای جوامع را شکل می‌دهد؛ گاه سیاست، بخشی از زوایای دین را به سکوت و سکون و یا حیات واداشته است. بنابراین،

دینی کردن سیاست و یا سیاسی کردن دین و درهم تافتگی نهادهای الهیات و سیاست، نشان از یکی شدن قدرت و دین و قداست آن‌ها دارد. این وضعیت راه را برای اقتدار از بالا و جانشینی «تک‌گویی»^۱ بجای «هم‌سخنی»^۲ هموار می‌کند.

مرجعیت آسمانی و مرجعیت زمینی که با شاخصه‌هایی چون نخبه‌گرایی، خودمحوری، انحصارگرایی و مطلق‌گرایی همراه است تنها در یک چیز همبسته هستند و آن «تکلیف» است. این تکلیف را باید از نظر کیستی انسان در جهان خیمه‌ای و ارتباط او با هستی دریافت. در جهان سنتی، اسطوره‌ها و متون دینی، کیستی انسان را در یک نگاه قدسی به تاریخ مشخص می‌سازند. ایمان به این قدسیت، کانون اصلی آن است که انباشته از مفاهیم قلبی، پیشینی، کلامی و ناپرسیدنی می‌باشد.

بنابراین در بینش دینی، شناسایی نه ناظر بر جهان است و نه ناظر بر انسان، بلکه هر چه هست صرفاً معطوف به کلام قدسی است و بالطبع جایی برای سوژه‌های فردیت‌یافته باقی نمی‌ماند چرا که این وضعیت متعلق به جهان مدرن و تجلیات خاص آن است.

۳. جهان مدرن

جهان مدرن را می‌توان در «سوژه خود تصریح‌گر» (نوذری، ۱۳۹۱) شناخت. موجودی که مستقل، خودمختار، صاحب اراده و تولیدگر است. دنیای مدرن، آشکارگی سوژه است و مفهوم «حق»^۳، نقش پررنگی را در دنیای مدرن بازی می‌کند. این سوژه در برابر ایمان جهان سنتی؛ حامل «خردگرایی»^۴ است که همه چیز را با تحلیل سود و زیان محاسبه می‌کند. هیچ چیزی برای او مقدس نیست و تنها چیزی که برای او ارزشمند و قابل احترام است، حقوق خود و منافع خود او است.

۳،۱ سوژه: در جهان مدرن سوژه و ابژه از هم منفصل هستند و این سوژه است که با محوریت «خرد»، «تجربه» و «علم»، تمام زیربنای جهان سنتی را تخریب می‌کند و به‌مانند یک شورشی با هر مرجعیتی که او را منقاد و هویت او را سرکوب نماید، مخالفت می‌کند. انسان مدرن جدید به‌واسطه پیشینه فلسفی افرادی چون «فرانسیس بیکن» و «رنه دکارت»؛ وجود و دنیای خود را در «اینجا» و «اکنون» می‌بینند و علاقه‌ای به دنیای پسین ندارند. دنیایی شدن^۵ ذهنیت انسان مدرن، راه را برای (من بودن: سوژه مستقل خودمختار) و «حق انتخاب» هموار می‌کند. در دنیای مدرن تکلیف جای خود را به حق واگذار می‌کند و کنش‌های افراد «معطوف به اراده خواستن» است.

1. Monologue
2. Dialogue
3. The right
4. Rationalism
5. Secularization

۳،۲ حق: برای شناخت هستی مفهوم حق، ابتدا باید آن را تعریف کرد و ویژگی‌های مفهوم حق را بازشناخت. «حق» در دو وجه اسمی و وصفی بکار برده می‌شود. آنچه در اینجا مدنظر است، وجه اسمی آن است که با مفهوم «حق داشتن»^۱، (مصدر همان معنای اسمی) مرتبط است. (طالبی، ۱۳۹۳: ۱۴). در این معنی حق در مقابل «تکلیف» قرار می‌گیرد که محصول فکری جدیدی است که در پی کوشش‌های نظری و عملی آزادی‌خواهانه و برابری‌خواهانه‌ی انسان در دوران جدید متولد شده است. «این حق در پیرامون حق و حقوق بنیادین انسان‌ها نظر دارد و به شکل برجسته‌ای در پی تأمین حق همهی شهروندان، به‌ویژه آنان که در اقلیت‌اند، می‌باشد. این حق به چهار معنای گوناگون به‌کاررفته است: ادعا یا مطالبه، آزادی، قدرت و مصونیت» (راسخ، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

حق ادعا یا حق مطالبه^۲؛ «حق‌هایی از نوع حق بر طلب دین هستند که همواره با تکلیف همراه‌اند، به این معنی که در این نوع حق یک رابطه‌ی دوجانبه میان دو شخص وجود دارد که برای یکی استحقاق و برای دیگری تکلیف می‌آورد» (راسخ، ۱۳۹۳: ۱۴۷). حق آزادی^۳؛ «حق بر آزادی از نوع امتیاز^۴ است به این معنی که ادعا و تکلیف هر دو ارتباط با یک شخص مطرح می‌شوند و طرف‌های مقابل ادعایی علیه صاحب حق ندارند» (همان). حق قدرت^۵؛ «در رابطه بین دو نفر یا دو موضوع است که الف می‌تواند (قدرت دارد یا محق است) نسبت به (ب) یک رابطه‌ی حقوقی تغییر دهد و (ب) را در معرض چنین تغییری قرار دهد» (همان). حق مصونیت^۶؛ «بدین معنا است که (الف) نسبت به چیزی دارای مصونیت باشد، و طرف‌های مقابل مانند (ب)، ناتوان از این هستند و درواقع قدرت و صلاحیت ندارند. به‌عنوان مثال اگر مالک نسبت به مال خود مصونیت دارد، بدین معناست که کسی نمی‌تواند (صلاحیت ندارد) این رابطه را بر هم زند و آن مال را بفروشد» (همان).

بنابراین آنچه ذکر شد، حق‌های برآمده در دنیای مدرن، رابطه تکلیف و الزام‌های برآمده از دولت را در چارچوب مفهوم قانون و قواعدی که توسط نهادهای رسمی و انتخابی تأسیس شده‌اند، دگرگون کرده و موجب تجمیع اراده‌هایی شده است که حق‌های خصوصی و فردی جایگاه مهمی را به خود اختصاص می‌دهند. صاحبان حق، اینک نه بر اساس حقوق الهی؛ بلکه بر اساس حقوق موضوعه، آنچه را که به تأمین منافع فردی و اجتماعی آنان کمک می‌کند، متوسل می‌شوند. درواقع، جهان مدرن دعوی حق خدا و حق

-
1. Having a right
 2. Claim-right
 3. Liberty-right
 4. Privilege
 5. Power-right
 6. Immunity-right

انسان است (موحد، ۱۳۹۲: ۵۲). به سخنی دیگر، معارضه بین «حق» و «تکلیف» است. آنگاه که اولین بیانیه به نام حقوق بشر در برابر مجلس ملی فرانسه مطرح شد، انگاره‌های آسمانی حق و تکلیف یکسره به زمین منتقل شد و این آغازی بود برای اندیشه‌های نوین و حقوق جدید برای افراد و صاحبان حق. این حقوق با شروع قرن بیستم به سایر جوامع آسیایی از جمله ایران سرایت نمود که تجلی مهم آن، انقلاب مشروطیت و تأسیس عدالت‌خانه است.

۴. ایران امروز: سردرگمی حق و تکلیف

با ورود به عصر مدرن که سرآغاز آن از دهه‌های قبل از انقلاب مشروطیت شروع شده بود، علاوه بر مظاهر مدرنیسم، مفاهیمی چون پارلمان، قانون و ملیت باعث شد که ذهن ما ایرانیان در برابر مطلق‌گرایی، تکلیف‌گرایی و استبداد دگرگون شود و با ورود عناصر نوین مادی و معنوی مدرنیته، حق‌های جدیدی ایجاد شود. روشنفکران، اعم از دینی و غیردینی، خواستار آن چیزی شدند که ملت را در برابر اقتدار بی‌سروسامان، نا پاسخگو، غیرمتمکز و مستبد، مصون بدارند تا با استفاده از «حق» و «قانون»، جامعه را هر چه بیشتر تحت قواعد و نظم دریاورند.

اگر پیش‌تر، قانون و حق‌ها تحت لوای شریعت و کارگزاران دینی به اجرا درمی‌آمد؛ اینک این حقوق موضوعه و مصوبه نمایندگان مجلس است که زمامدار دفاع و استیفا از حقوق ملت قرار می‌گیرد. اما تقابل دو قانون شریعت و قانون عرفی موجب سرگردانی کسانی شد که سودای هر دو را در رفتار ذهنی و عملی، در خود داشتند. «بنابراین با ورود مفاهیم سیاسی‌ای نظیر ناسیون و ناسیونالیسم؛ میهن، وطن، کشور، ملت، قوم و امت برای ناسیونال؛ میهنی، وطنی، کشوری، ملی و قومی برای ناسیونال» (قیصری، ۱۳۸۹: ۳۱)، گام جدیدی در تعریف و تحدید وظایف عمومی و امور خصوصی برداشته شد و وظایف اداری و سیاسی از وضع شخصی شدن به درآمد و تحت انقیاد نظم و قانون، قرار گرفت.

اما همچنان دو مرجعیت سیاسی و الهی موضوع سیادت بر افراد قرار گرفت که هر کدام، شیوه، سبک و اجرای خود را در تأمین منافع خود، به عهده داشت و در بعضی شرایط اجتماعی و سیاسی این دو مرجعیت قدرت، از نفوذ سیاسی خود برای تأثیرگذاری بر مسائل مستحدثه استفاده می‌کردند. الزاماتی که از مصادر سیاسی و مذهبی صادر می‌شد، مبارزه‌ای را بین حق و تکلیف پدیدار می‌نمود که بین ایمان/عقل در تناوب قرار داشت.

۴,۱ **قدسیت:** کانون اصلی مسئله ایران معاصر، مسئله «ایمان» و رویارویی آن با ذهن مدرنیته جهان‌گسترِ امروزی است. مفهوم ایمان، بر اساس تأیید اقتدار و مشروعیت چیزی است، که نمی‌توان در آن چون‌وچرا کرد و یا آن را با تبیین‌های تحصلی، مورد تفسیر قرار داد. مسئله‌ی ایمان، مسئله‌ی قبول

یک‌طرفه، پایدار و مستمری است که نه با «هم‌سخنی»؛ بلکه به شیوه «تک‌سخنی» پدیدار می‌شود. این شیوه از «تک‌سخنی»، تنوع، گوناگونی و اندیشه‌هایی که در جهت مخالف آن قرار دارد به رسمیت نمی‌شناسد و با نیروی ضمانت اجرای شریعت و قانون مواجه خواهد شد. از طرف دیگر، ایران امروز، بنیاد خود را بر «تکلیف» گذاشته است؛ در صورتیکه جهان مدرن، جهان حق است. او اکثر حوزه‌ها را می‌خواهد قدسی کند؛ در صورتیکه جهان مدرن می‌خواهد «تقدس‌زدایی» نماید. زمانه و جهان در مسیری در حال حرکت است که در جهت مخالف فکر و افکار جمهوری اسلامی می‌باشد. این دوراهی متعارض، همان حلقه مفقوده‌ای است که نیاز به تأمل دارد.

۴،۲ عقل: عقل خود بنیاد، مستقل، مختار و انتخاب‌گر در راستای تغییر مداوم و مستمر فهم خود از محیط پیرامون، نه به صورت غایت‌مندانه؛ بلکه برای «اکنون» و «اینجا»، برنامه‌ریزی و مشارکت می‌کند. ذهن مدرن، جهان را مطابق خواست خود می‌سازد و در نتیجه رابطه‌اش با جهان دگرگون می‌شود. اگر پیش از این، اجزاء در یک کل به هم پیوسته منحل می‌شدند و از خود اراده‌ای برای تغییر پیدا نمی‌نمودند؛ اینک در یک نگاه خطی، با رهاورد عقل و تجربه، می‌تواند سامان زندگی را به وسیله آزادی انتخاب، بنیاد نهند و اراده‌ی خود را عملی سازد. در سیاست مدرن، هیچ‌چیز ابدی و در دایره‌ی «تکرار» قرار ندارد، بلکه مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست، دائم در حال «بازسازی»^۲ و بهتر شدن هستند.

نتیجه‌گیری

جهان‌گرایی مدرنیسم و پدیداری مظاهر مدرنیت، وضعیت دوگانه‌ای را برای رویارویی دو سطح از انگاره‌های آسمانی و انگاره‌های زمینی به وجود آورده است که یکسر طیف آن به «تکلیف» برمی‌گردد، و سر دیگر آن، به «حق» و «حقوق موضوعه». مفهوم تکلیف با «ایمان» و احترام به اقتدار عالی و فقدان چون‌وچرا برمی‌گردد و جریان سخن، یک‌طرفه و مقتدر است. اما در مفهوم حق، که با «خرد»، پرسش‌گری، گفت‌وگو (هم‌سخنی) و اراده‌های معطوف به خواستن همراه است، شرایطی فراهم می‌شود که مسائل جاری و مشکلات پیش‌آمده را می‌توان با به رسمیت شناختن عقاید مختلف و متنوع، بوسیله راهکارهایی که خود برای سامان زندگی و جامعه تأسیس کرده‌اند حل کرد و آن را برطرف نمود. بنابراین، شرط لازم برای طرفین حاکمیت و جامعه؛ «گفت‌وگومحوری» و بسط مشروعیت «حق محوری افراد» از طرف یکدیگر است تا مرهمی برای این آوارگی خرد بین حق و تکلیف باشد.

1. Repeat
2. Reproduction

حفظ تمامیت ارضی کشور؛ به مثابه رسالت دانشگاهی

شقایق حیدری^۱

حسین سیف الدینی^۲

مقدمه

هویت ملی و چالش‌های مرتبط با آن چند دهه است که به یکی از دغدغه‌های مهم جوامع تبدیل شده است. از یک سوی انحصار دولت‌ها به دلایل مختلف از جمله پیشرفت تکنولوژی کاهش یافته و از سوی دیگر گروه‌های مختلف سیاسی با اهداف متنوع از ظرفیت‌های داخلی (قومی) برای تضعیف کشورهای به ویژه علت وجودی آنها استفاده میکنند. به این ترتیب موجودیتی به نام «کشور»^۳ به طور دائم در معرض تهدید نیروهای داخلی و خارجی است.

شکل‌گیری موجودیتی به نام ایران و زیست مسالمت‌آمیز مردمان گوناگون در آن، محصول فرایندهای مدرن نیست، بلکه تاریخچه‌ای هزاران ساله دارد که پس از مشروطه به دلیل شکل‌گیری آگاهی ملی در میان ملت‌های قدیم به صورت نظام مند از سوی نخبگان و دولت بازتعریف و تدوین شده است. همان قدر که اقوام در ایران ریشه کهنی دارند، گفتمان قومی امری برساخته، جدید و برون‌زا است. به نظر می‌رسد این گفتمان که همواره به صورت معارض نظم موجود عمل کرده، برخلاف نفس تنوع فرهنگی، پدیده‌ای جدید است که قصد دارد الزامات سیاسی و ایدئولوژیک خود را بر واقعیت اقوام تحمل کند. با توجه به روندهای جدید سیاسی و فکری در جامعه که خصلتی به شدت بی‌ثبات کننده دارند، انتظار می‌رود جامعه علمی کشور به ویژه در عرصه علم سیاست در برابر این تهدیدها هشیار بوده و در اندیشه تدابیری برای حفظ هویت و امنیت ملی باشند. این مقاله کوششی است برای توصیف روندهای بی‌ثبات کننده اخیر و تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که کدام روندهای مدرن در تقویت جریان‌های واگرا موثر بوده‌اند و جامعه علمی کشور چه کمکی به بنیادهای هویت ملی می‌تواند انجام دهد؟!

۱. دکترای علوم سیاسی و پژوهشگر مسائل هویتی

۲. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی و پژوهشگر مسائل هویتی